

بررسی و تحلیل سکه‌ای با محتوای مهدویت در قرن دوم هجری قمری

محمدجعفر اشکواری^۱

سید علی علوی نیا ابرقویی^۲

چکیده

«سکه»ها علاوه بر این که از تاریخ یک دوره گزارش می‌دهند، از ابزارهای مهم بازتاب شعائر مذهبی، از جمله اندیشه مهدویت در دوره اسلامی هستند. پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل یک سکه با محتوای مهدویت اختصاص دارد که سال و محل ضرب در آن نقر نشده است. این پژوهش به روش «توصیفی-تحلیلی» انجام پذیرفته است. به این صورت که از طریق تطبیق داده‌های سکه مورد مطالعه با گزارش‌های منابع مکتوب مشخص می‌شود که شعار «یا حمد» و «یا منصور» به عنوان دو شعار پیروزی در جنگ‌ها، آیه ۳۳ سوره توبه و بخشی از آیه ۲۳ سوره شوری و آیه ۸۱ سوره اسراء و نیز تصریح کلمه مهدی بر سکه، نشان‌دهنده قیام فردی است مدعی مهدویت. بررسی‌ها نشان می‌دهد، محمد بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی (۱۰۰-۱۴۵ق) ملقب به نفس زکیه که در سال ۱۴۵ هجری قیام کرد، گزینه‌ای محتمل برای این سکه می‌تواند باشد.

واژگان کلیدی: مهدویت، سکه، نفس زکیه، علویان زیدی.

مقدمه

«سکه‌شناسی» به عنوان بخشی از دانش باستان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سکه‌ها در واقع اسناد و مدارکی هستند که بدون واسطه از گذشته روایت می‌کنند. در دوره اسلامی، ضرب سکه به عنوان یکی از نشانه‌های خلیفه به شمار می‌رفت (الرفاعی، ۱۳۹۳: ص ۶۳). تا زمان عبدالملک بن مروان سکه‌های عرب- ساسانی و عرب - رومی (بیزانسی) رایج بود و برای اولین بار در سال ۷۷ هجری سکه طلا (دینار) و در سال ۷۸ هجری سکه نقره (درهم) ضرب شد (سرافراز و آوزرمانی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۹-۱۵۰). ضرب سکه به خلفا محدود نشد و افراد مختلف، اعم از امیران و والیان به ضرب سکه می‌پرداختند. همچنین افرادی که علم مخالفت با خلافت را برمی‌افراشتند ضرب سکه را در دستور کار خود قرار می‌دادند.

موضوع مهدویت در نخستین قیام‌های علوی از مواردی است که به کمک داده‌های سکه‌شناسی می‌توان به آن پرداخت. به عنوان نمونه عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب در سال ۱۲۷ هجری در کوفه قیام (طبری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۳۰۲) و به ضرب سکه اقدام کرد (خضری و احمدوند، ۱۳۸۹: ص ۴۹-۵۴). با وجود این، ادعای مهدویت در سکه‌های وی دیده نمی‌شود. با این حال اگرچه آموزه‌های مهدویت در قیام زید بن علی که در دوران هشام بن عبدالملک اموی (حک: ۱۰۵-۱۲۵ق) قیام کرد و در سال ۱۲۲ ق به شهادت رسید (درباره شهادت زید اختلاف وجود دارد؛ اما سال ۱۲۲ ق مشهورتر و صحیح‌تر است (نک: رحمتی و ناجی، ۱۳۹۶: ج ۲۲، ص ۵۹-۷۰) دیده می‌شود؛ اما «این موضوع قابل مقایسه با نقش این آموزه [مهدویت] در جنبش نفس زکیه نبوده است» (برادران و گل پورسوته، ۱۳۹۶: ص ۱۱۸). ضمن این که ضرب سکه در قیام زید بن علی گزارش نشده است. مسئله پژوهش حاضر، اثبات این موضوع است که سکه مورد مطالعه یکی از قدیمی‌ترین سکه‌های موجود با موضوع مهدویت است که در آن، ضمن بررسی احتمال‌های مختلف، این که سکه به کدام قیام شیعی متعلق است نیز بیان شده است.

سکه‌ای با ادعای مهدویت که این پژوهش به معرفی، بررسی و تحلیل آن اختصاص دارد، تاکنون دو بار معرفی شده است. مایلز این سکه را به همراه دو سکه دیگر معرفی کرده و احتمال داده است که مهدی مورد نظر در این سکه، محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن



حسین علیه السلام باشد (Miles, 1936: p 339). سلیمانی ضمن معرفی سکه، یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی، برادر محمد نفس زکیه و ابراهیم را صاحب سکه معرفی کرده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۷). از آن جا که در منابع برای این افراد ادعای مهدویت مطرح نشده و در سکه به طور آشکار از مهدی باوری و شعارهای انقلابیون علوی استفاده شده، ضروری است بار دیگر سکه به دقت مورد نظر بررسی قرار گیرد.

معرفی و تحلیل محتوای سکه مورد مطالعه

این سکه نقره ۱/۶ گرم وزن و ۲۲ میلی متر قطر دارد^۱ و فاقد سال و محل ضرب است. البته تیپ سکه به گونه ای است که به طور قطع می توان آن را به اواخر دوره اموی و اوایل دوره عباسی مربوط دانست؛ موضوعی که مایلز نیز به آن اشاره کرده است (Miles, 1965: p 329-332). طرح روی سکه ساده است و در درون دو دایره بزرگ که در برخی از قسمت ها خطوط نیز به درستی ترسیم نشده اند، به ترتیب از بالا به پایین به خط کوفی چنین نوشته شده است. «یا حمد / صلی الله علی محمد / و علیه السلم مما / امر به المهدی الحق / امیر المؤمنین / یا منصور». بخش هایی از لبه به دلیل ساییدگی از بین رفته؛ اما عبارت های حاشیه قابل خوانش است:



تصویر روی سکه (منبع. مجموعه شخصی)

۱. سکه مورد مطالعه سلیمانی ۲۶ میلی متر قطر داشته است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۷).

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَزْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾.

مایلز نوشته است که پیشنهاد مناسبی برای «یا حمد/ ya hamd» ندارد جز این که «حمد» را صفتی برای یک فرد و مترادف با «محمود» [ستایش شده، ستوده شده] در نظر گرفته است (Miles, 1965: p 336). سلیمانی «یا حمد» را «یا حامد» خوانده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۷). بررسی‌ها درباره شعار «یا حمد» پیشینه‌ای را در برداشت و حتی سلیمانی در این باره سخنی به میان نیاورده است (همان). اگرچه شعار «أحد أحد» که یکتاپرستی و توکل مسلمانان به خداوند را نشان می‌دهد در نبردهای پیامبر ﷺ مانند غزوه بدر مورد استفاده قرار می‌گرفت (ابن هشام، [بی‌تا]: ج ۱، ص ۶۳۴)؛ یا در قیام نفس زکیه یکی از فرماندهان قیام به نام افطس نیز شعار «أحد أحد» را سر می‌داد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۵۸۸ و ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۴۳ و ۲۵۰) و حتی شعار قیام ابراهیم برادر نفس زکیه «أحد أحد» بود (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۳۰۰). با وجود این، عبارت روی سکه به گونه‌ای است که «أحد» از آن برداشت نمی‌شود و به قرینه شعار «یا منصور» (بنگرید به ادامه مقاله) به نظر می‌رسد «یا حامد» به معنای «ستایش کننده، ستایشگر» صحیح باشد و در نگارش، «الف» را حذف کرده‌اند؛ همان گونه که در خط دوم «السلام» را «السلم» نوشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت یکی از شعارهای این فرد قیام‌کننده علوی بر اساس این سکه «یا حامد» بوده است.

عبارت بعدی «صلی الله علی محمد و علیه السلم» است که بر سکه دیگری دیده نمی‌شود و فقط بر سکه ضرب تلمسین (تلمسان) در سال ۱۶۰ هجری عبارت «صلی الله علی محمد» نوشته شده است (القزاز، ۱۹۶۴: ص ۲۶۸). در دوره عباسیان تغییری نمادین در عبارت‌های سکه‌ها رخ داد و عبارت «محمد رسول الله» جایگزین سوره اخلاص شد که در دوره اموی بر سکه‌ها نقر می‌شد (سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹۱: ص ۱۶۳). به همین دلیل، در دوره عباسیان بر روی سکه‌ها «محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم» نوشته می‌شد (ترابی طباطبایی و وثیق، ۱۳۷۳: ص ۱۵۹، ۱۹۱؛ القزاز، ۱۹۶۴: ص ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۲ و همان، ۱۹۶۵: ص ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۹۷، ۲۰۶). سکه مورد مطالعه از این منظر منحصر به فرد است و می‌توان این احتمال را هم مطرح کرد که جمله دعایی برای فردی با نام «محمد» به کار رفته و بر او سلام نیز فرستاده شده



است؛ زیرا اگر مقصود پیامبر ﷺ بود به استناد سکه‌های دیگر می‌بایست «محمد رسول الله» آورده می‌شد.

نوشته بعدی «مما امر به المهدي الحق امير المؤمنين» است. سؤال مهم این است که منظور از «المهدي الحق» کیست که خود را مهدی حقیقی می‌داند؟ آیا منظور مهدی عباسی است یا مهدی علوی؟ درباره این که مهدی در این سکه مهدی عباسی نیست، چند نکته را می‌توان مطرح کرد: اول این که ابو عبدالله محمد ملقب به «المهدی» (خضری، ۱۳۷۹: ص ۳۵) در سال ۱۴۱ هجری زمانی که ولیعهد بود از طرف پدرش، به عنوان فرمانده نظامی به ری فرستاده شد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۵۰۸) و تا سال ۱۵۱ هجری در آن‌جا حضور داشت (همان، ج ۸، ص ۳۶). ضرب سکه به نام مهدی نیز به دنبال حضور وی در ری و سرکوب علویان و دیگر شورش‌های خراسان انجام گرفته است (رضایی باغ‌بیدی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۲) و نام وی به گونه‌ای نوشته می‌شد که با عبارت منقوش بر سکه مورد مطالعه تفاوت اساسی دارد. به این صورت که بر پشت سکه‌های ضرب ری (محمدیه) در سال‌های ۱۴۵-۱۵۹ هجری به جای «محمد رسول الله» چنین نوشته شده است: «مما امر به المهدي محمد بن امير المؤمنين» یا «مما امر به المهدي محمد بن امير المؤمنين اكرمه الله» (Miles, 1938: p 26-38). همچنین بر سکه‌های ارمینیه در سال ۱۴۸ هجری عبارت «مما امر به المهدي محمد بن امير المؤمنين» نوشته شده است (شمس اشراق، ۱۳۸۹: ص ۱۶۴). بر یک نمونه فلس (سکه مسی) ضرب ری در سال ۱۴۵ هجری نام مهدی به این صورت آمده است: «بسم الله مما امر به محمد مهدی بن امير المؤمنين» (ترابی طباطبایی و وثیق، ۱۳۷۳: ص ۱۵۰).

دوم این که بر سکه‌های خلفای عباسی دایره‌های کوچکی به صورت‌های مختلف نقر می‌شد (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: شمس اشراق، ۱۳۸۹: ص ۱۵۵، ۱۷۰)؛ که برخی آن را یکی از وجوه تمایز سکه‌های اموی و عباسی دانسته‌اند (ترابی طباطبایی و وثیق، ۱۳۷۳: ص ۱۳۷) و برخی دیگر آن‌ها را یکی از مظاهر زیبایی در سکه‌ها معرفی کرده‌اند (القزاز، ۱۹۶۴: ص ۶۰)؛ در حالی که بر سکه مورد مطالعه این دایره‌های کوچک دیده نمی‌شود.

سوم این که نوشتن نام خلیفه بر سکه‌ها از زمان خلافت مهدی آغاز شد و نام مهدی عباسی بعد از آن که به خلافت رسید بر سکه‌ها چنین نوشته می‌شد: «محمد رسول الله صلی الله و علیه



و سلم الخلیفه المهدی» (ترابی طباطبایی و وثیق، ۱۳۷۲: ص ۱۶۴ و رضایی باغ بیدی، ۱۳۹۳: ص ۱۳۲). همچنین سکه‌ای بدون سال و محل ضرب وجود دارد که اگرچه آیه ۲۳ سوره مبارکه شوری به عنوان یکی از نشانه‌های قیام‌های علویان بر سکه‌ها نوشته شده؛ نام خلیفه مهدی به صورت «الخلیفه المهدی» نقر شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۵). با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت مهدی منقوش بر سکه مورد مطالعه قطعاً مهدی خلیفه عباسی نیست. بنابراین، باید فرد مورد نظر، مهدی مورد نظر علویان باشد (بنگرید به ادامه مقاله).

عبارت بعدی «یا منصور» (ای پیروز/ یاری شده) است. شعاری که در جنگ‌های پیامبر ﷺ «از باب تیمن و تقال به نصرت خداوند» (انور فیاضی و جباری، ۱۳۹۰: ص ۱۴۸) از جمله جنگ بدر (۲ ق) (ابن سعد، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۱۰)؛ غزوه بنی‌المصطلق (۵ ق) (واقفی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۴۰۷) و خیبر (ابن هشام، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۳۳) به صورت «یا منصور، اَمِت اَمِت» (ای پیروز شده/ یاری شده بمیران) گفته می‌شد. این شعار را مسلم بن عقیل در سال ۶۰ هجری در کوفه، (طبری، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۳۶۸)، مختار ثقفی در قیام سال ۶۶ هجری (طبری، ۱۳۸۷: ج ۶، ص ۲۰) و زید بن علی در ۲۴ محرم سال ۱۲۲ هجری در کوفه نیز استفاده کردند (همان، ج ۷، ص ۱۸۳). بنابراین، یکی دیگر از شعارهای مهم این قیام «یا منصور» بود. در حاشیه نیز مانند سکه‌های رایج در دوره اموی و عباسی «محمد رسول الله» به همراه آیه ۹ سوره صف و آیه ۳۳ سوره توبه^۱ با اندکی تغییر آمده است (سرافراز و آورزمانی، ۱۳۹۱: ص ۱۵۰، ۱۶۳).

طرح پشت سکه نیز ساده است و دایره مرکزی با نقطه چین‌های کوچک طراحی شده و در داخل آن به خط کوفی به ترتیب از بالا به پایین چنین نوشته شده است. «لا اله الا الله وحده/ لا شریک له». این عبارت بر پشت سکه‌های اموی و عباسی نیز نقر می‌شد (همان). در پایین‌ترین قسمت و زیر نوشته‌ها دو برجستگی دایره‌ای شکل وجود دارد. نکته جالب توجه این که این دو نقطه بر سکه‌های دوره اموی و اوایل دوره عباسی دیده نمی‌شود و فقط بر دو سکه دیگر این برجستگی‌ها دیده می‌شود که بر یکی «الخلیفه المهدی» و بر دیگری «الخلیفه الرشید» نوشته شده است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۵-۴۶). بنابراین، به نظر می‌رسد بر سکه‌های خاصی این

۱. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

علامت نقر می شده است.



تصویر پشت سکه (منبع: مجموعه شخصی)

در اواخر دوره اموی و از سال ۱۲۸ هجری به بعد، قسمتی از آیه ۲۳ سوره شوری بر حاشیه برخی از سکه‌ها اضافه شد (سرافراز و آوززمانی، ۱۳۹۱: ص ۱۱۵) که در سکه مورد مطالعه نیز آمده است: ﴿بِسْمِ اللَّهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾. در این آیه خداوند از پیامبر خواسته که به مومنان بگوید در ازای نبوت، پاداشی جز محبت و دوستی با بستگانش نمی خواهد. این آیه یکی از دلایل امامت امامان دوازده گانه نزد شیعیان و به «آیه مَوَدَّت» معروف است که بر فضیلت اهل بیت دلالت دارد (ر.ک: حلی، ۱۴۱۹: ص ۵۳۴؛ النباطی البیاضی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۱۸۸ و بابایی، ۱۳۸۰: ص ۶۳). همچنین زیدیه با استناد به آیه مَوَدَّت بر این باورند که خداوند ولایت اهل بیت را بر هر مرد و زن مسلمانی واجب کرده است (ر.ک: ابوالجارود، ۱۴۳۴، ص ۱۸۱-۱۸۳). نیز مُقاتل (د. ۱۵۰ق) در تفسیر این آیه مقصود از مزد را اجرت ایمان معرفی کرده و چنین تفسیر کرده‌اند که قیمت و هزینه ایمان آن است که هر مسلمانی ارتباط خود را با بستگان پیامبر حفظ کند و به آن‌ها آزاری نرساند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ج ۳، ص ۷۶۹). (جَبَری د. ۲۸۶ق) تفسیری در ذیل آیه نیاورده، اما مصحح کتاب یک روایت از وی را که در تفسیر فرات کوفی نقل شده، به کتاب افزوده است. به این صورت که روزی محمد بن حنفیه این آیه را برای پیروانش قرائت کرد و مقصود از «قربی» را اهل بیت دانست و خود را از آن‌ها شمرد (حبري، ۱۴۰۵: ص ۳۵۹-۳۶۰ و فرات کوفی، ۱۴۱۰: ص ۳۹۹).



در ادامه آیه ۸۱ سوره مبارکه الإسراء: ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ آمده است. در بعضی از روایات «جاء الحق و زهق الباطل» به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است و در این زمینه امام باقر علیه السلام فرمود که مفهوم این سخن الاهی این است که «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل»؛ یعنی هنگامی که امام قائم علیه السلام قیام کند دولت باطل برچیده می‌شود» (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۳، ص ۲۱۲). متن حاشیه را یک دایره در بر گرفته که شش حلقه کوچک آن‌ها را به هم متصل کرده است.

مهدی الحق: محمد بن قاسم، یحیی بن عبدالله یا نفس زکیه

«مهدویت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است که با اضافه شدن «ت» به «مهدوی» ساخته شده است (الویری و برزویی، ۱۳۹۴: ص ۶۱). مهدی اسم مفعول از ریشه «هدی» و به معنای «هدایت شده» است (حمیری، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۶۸۹۶-۶۸۹۷) و مهدویت در اصطلاح به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخرالزمان برای نجات انسان‌ها و برقراری عدالت و صلح خواهد آمد. باور به منجی، در ادیان، ملل و اقوام مختلف به اشکال گوناگون مطرح شده است. در صدر اسلام واژه «مهدی» برای شخص «هدایت شده» یا برای تجلیل از برخی افراد به کار می‌رفت. به عنوان نمونه در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلفای راشدین، و امام حسین علیه السلام نیز به کار رفته است (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ص ۳۴). بر اساس اطلاعات منابع تاریخی برای اولین بار، مختار ثقفی «مهدی» را برای محمد بن حنفیه (د. ۸۱ ق) به کار برد و در برخی از نامه‌های رسمی از این لقب برای وی استفاده کرده است (طبری، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۵۶۱ و ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۲۷۴). البته مشخص نیست که منظور از «مهدی» در این کاربرد معنای مصطلح «مهدی» بوده است یا صرفاً به معنای هدایت‌گر؛ با این حال، به وجود آمدن فرقه کیسانیه را که اساسی‌ترین باورشان اعتقاد به مهدویت ابن حنفیه بود، ادامه همین ماجرا دانسته‌اند. در بین شیعیان، عنوان «مهدی» را برای برخی از امامان بعد از حیات آن‌ها به کار برده‌اند؛ به عنوان نمونه ناووسیه برای امام صادق علیه السلام، واقفه برای امام کاظم علیه السلام (جاسم حسین، ۱۳۸۵: ص ۳۴-۳۶).

در بین شیعیان دوازده امامی، مهدویت برای حجت بن الحسن فرزند امام حسن

عسکری علیه السلام اختصاص دارد. به گونه‌ای که مهدویت در گفتمان شیعیان دوازده امامی بر اصل وجود حجت در هر زمانی متمرکز است و بر زنده بودن و غایب بودن امام دوازدهم تأکید دارد و روایات مبنی بر مهدویت ایشان متواتر و غیر قابل انکار است (ر.ک: پیشوایی، ۱۳۹۷: ص ۱۷۰-۱۷۲).

همچنین اعتقاد به مهدویت و انتظار مهدی موعود در زیدیه، مانند دیگر فرقه‌ها از آغاز مطرح بوده (موسوی نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۷)؛ چنان که گمانه‌زنی‌هایی درباره مهدی موعود بودن زید بن علی مطرح بوده است. به عنوان نمونه مردم در زمان قیام زید انتظار داشتند که زید همان «منصور موعود» باشد؛ زیرا مردمی که از ظلم و ستم به تنگ آمده بودند، بر اساس روایات درباره ظهور مهدی، به یک منجی اعتقاد داشتند که در برخی از منابع «منصور» خوانده شده بود. به همین دلیل، منصور دوانیقی اصرار داشت با این لقب، خود را منجی اعراب و مسلمانان معرفی کند و بعد از تثبیت حاکمیت خویش، فرزندش محمد را همان مهدی موعود مسلمانان معرفی کرد. به عنوان نمونه منصور عباسی در برابر آنچه از قول نفس زکیه نقل می‌شد که وی «مهدی» است؛ گفت: «کذب عدو الله، بل هو ابنی» (نوبختی، ۱۳۸۱: ص ۹۶ و ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۱۲). در روایات نیز یکی از القاب حضرت مهدی، «منصور» معرفی شده است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ص ۲۴۰). بنابراین، در این پژوهش «مهدی اصطلاحی» مورد نظر است، یعنی مهدی موعودی که علم قیام را برافراشته است و خود را در مقایسه با افرادی دیگری که احتمالاً «مهدی» می‌دانسته‌اند، «مهدی الحق» یعنی «مهدی حقیقی» معرفی کرده است.

محمد بن قاسم (د ۲۱۹ ق)

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، مهدی مورد نظر در سکه قطعاً خلیفه مهدی عباسی نیست؛ اما درباره این که مهدی مورد نظر کیست؛ تاکنون اظهار نظر دقیق انجام نگرفته است. مایلز احتمال داده است که مهدی مورد نظر در این سکه، محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسین علیه السلام باشد (Miles, 1965: p 339). قیام محمد بن قاسم در سال ۲۱۹ هجری یکی از شاخص‌ترین قیام‌های علویان بعد از شهادت امام رضا علیه السلام به شمار می‌رفت؛ قیامی که از



کوفه آغاز شد و در ادامه به رَقه و سپس به خراسان و شهر طالقان کشیده شد (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۶۴-۴۶۵). شعار قیام مذکور «الرضا من آل محمد» بود (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۶، ص ۴۴۲) و پیروانش او را صوفی لقب داده بودند (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ص ۴۶۵). اگرچه باور به غیبت مهدی در قیام محمد قاسم و سرنوشت مبهم او (برای کسب اطلاع بیش تر درباره سرانجام وی، ر.ک: ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۱، ص ۱۴؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۴۷۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۶۵ و ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ص ۴۶۹-۴۷۲)؛ به شکل جدی در میان زیدیه مطرح شد و این مؤلفه مهدوی تا حدود یکصد سال در مناطق دورافتاده خراسان، به ویژه طالقان^۱ به حیات خود ادامه داد (برادران و گل پور سوتی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۹)؛ اما باید توجه داشت که مهدویت در این قیام بیش تر بر غیبت محمد بن قاسم بعد از مرگ دلالت دارد، نه بر این موضوع که وی داعیه مهدویت داشته است؛ یا این که علائم و نشانه های مهدویت در قیام وی دیده نمی شود (برای اطلاع از علائم مهدویت، بنگرید به ادامه مقاله).

یحیی بن عبدالله (د. ۱۷۵ ق)

سلیمانی، مهدی الحق در این سکه را یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی برادر محمد النفس زکیه و ابراهیم دانسته است (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۷). وی فرد مورد نظر در سکه را شخصی معرفی کرده است «که مدعی حقانیت امیرالمومنین بوده است» (همان)؛ در حالی که در این جا «امیرالمومنین» بدل از «مهدی الحق» است. از توضیحات بعدی ایشان چنین بر می آید که این سکه را در ادامه دو سکه دیگری می داند که در یکی از آن ها به صراحت نام مهدی عباسی «الخلیفه المهدی» و در دیگری نام هارون عباسی «الخلیفه الرشید» آمده است (همان، ص ۴۵-۴۶). وی حتی به سکه دیگری اشاره کرده است مربوط به سال ۱۷۵؛ ضرب محمدیه که بر آن نام جعفر برمکی نوشته شده بوده است. نکته مهم این است که بر سکه های معرفی شده، نام

۱. تالقان (طالقان)، شهری تاریخی و مرکز ولایت تخار در شمال افغانستان. این شهر در ۴۰۳ کیلومتری شمال شهر کابل، در مشرق شهر قدیمی تالقان واقع است. رود تالقان از وسط شهر می گذرد و رشته کوه هندوکش در شمال آن امتداد یافته است (بادنج، ۱۳۸۰: ج ۶، ذیل «تالقان (طالقان)»)

خلیفه یا فرد دیگری به صراحت آمده است و در سکه مورد پژوهش، چنین چیزی وجود ندارد. سلیمانی این موضوع را عنوان می‌کند که در دوران مورد بحث، یعنی نیمه دوم قرن سوم هجری «این باور رایج بود که مهدی موعود به زودی ظهور خواهد کرد... از این رو، بسیاری از جمله منصور دوانیقی نام فرزندش را محمد مهدی نهاد» (همان، ص ۴۶). سپس با اشاره به این موضوع که «تنها قیام شیعی مهم در این زمان، خروج یحیی بن عبدالله العلوی بود» (همان، ص ۴۷). وی با طرح این مطلب، چنین نتیجه گرفته است که «می‌توانیم حدس بزنیم که این سکه به وسیله یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی برادر محمد النفس الزکیه و ابراهیم، با توافق و حتی کمک مالی برمکیان ضرب شده» است (همان).

رویکرد پژوهش حاضر از نظر توالی ضرب سکه‌های مورد بحث با سلیمانی متفاوت است؛ زیرا با توجه به مواردی در ذیل مطالب مربوط به محمد بن عبدالله (نفس زکیه) خواهد آمد، مشخص خواهد شد که به احتمال زیاد، سکه مورد پژوهش، از سکه‌های دیگر زودتر ضرب شده است و در ادامه سکه‌های دیگر ضرب شده‌اند.

شایان توجه است که بعد از قیام حسین بن علی (شهید فخر) (۱۶۹ ق)، ادریس بن عبدالله بن حسن و برادرش یحیی جان سالم به در بردند و به مغرب و دیلم گریختند (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۴، ص ۴ و یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۹۲). اهل مغرب ورود ادریس را گرامی داشتند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۱۹۸). یحیی بن عبدالله را می‌توان آخرین قیام‌کننده در جنبش زیدیان دانست و وی محبوبیت فراوانی نزد مردم داشت (ابن طقطقی، ۱۴۱۸: ص ۳۴۴). وی بعد از ورود به دیلم در سال ۱۷۶ هجری (مجمّل التواریخ و القصص، ۱۳۷۵: ص ۲۱-۲۴) مورد استقبال قرار گرفت و مردم به پیروی از دعوت او برخاستند (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۱۰، ص ۱۶۷). با وجود این که بزرگان زیدیه مانند عامر بن کثیر سراج (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۴۸۴). در بین پیروان وی دیده می‌شود؛ سرانجام قیام وی به گونه‌ای بود که به پذیرش امان نامه هارون الرشید ناچار شد و از قیام دست کشید (طبری، ۱۳۸۷: ج ۸، ص ۲۴۳). یحیی در سرزمین دیلم فرّ و شکوهی پیدا کرد و پیروانی گرد او جمع شدند که موجب نیرومندی وی شد. دوری مسافت منطقه قیام او از بغداد و مناعت طبع وی موجب نیرومندی حرکت یحیی شد (طوقوش، ۱۳۸۵: ص ۹۰). سرانجام «به تدبیر فضل بن یحیی برمکی و تزویر قضات بغداد، سجلی نوشتند بر آن که یحیی بنده



هارون است و پیش جستان {پادشاه دیلمان} گواهی دادند، جستان او را به ناچار {به هارون الرشید} بسپرد. او را به بغداد آوردند هارون با او نیکویی کرد و بعد از پنج ماه به زندان کرد و در آن حبس به زهر تباہ شد» (مستوفی، ۱۳۶۴: ص ۳۰۴-۳۰۵). در منابع تاریخی نشانه‌ای از ادعای مهدویت یا شعارهایی مبنی بر ادعای مهدویت برای یحیی بن عبدالله بیان نشده است.

محمد بن عبدالله (نفس زکیه) (د. ۱۴۵ ق)

بعد از موارد مذکور، به قیام محمد بن عبدالله بن حسن مثنی، ملقب به «نفس زکیه» (۱۰۰- ۱۴۵ ق) می‌رسیم که به عنوان اولین قیام حسنین رقم خورد و در آن مهدی باوری کارکردهای ویژه‌ای داشت و در پذیرش آن قیام توسط عامه مردم و حتی خواص تأثیرگذار بود. محمد بن عبدالله بن حسن مثنی در سال ۱۰۰ هجری متولد شد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۱۰)؛ به دلیل زهد، تقوا و ورع وی را «نفس زکیه» می‌نامیدند (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۲۹۵). وی را «صریح» و «خَلَص» نیز می‌گفتند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۲۱).

از مهم‌ترین موارد مربوط به مهدی باوری که در زمان نفس زکیه مطرح بود، موضوع نام وی، نام پدر و مادرش بود که درباره مهدویت وی مورد استفاده قرار می‌گرفت. کنیه وی نیز مهدی بود؛ زیرا باید توجه داشت که بسیاری مهدی و پدرش را همانم، موافق و مشابه پیامبر ﷺ می‌دانستند (ر.ک: ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۶۰؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱، ص ۳۸۷؛ ابی داود، ۲۰۰۷: ج ۴، ص ۸۷؛ دولابی، ۲۰۰۰: ص ۳۲۷ و خوارزمی، ۱۴۱۱: ص ۶۱-۶۳) و حتی برخی نام وی را به صراحت «محمد بن عبدالله» ذکر کرده‌اند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۱۴). به همین دلیل در زمان تولد نفس زکیه و با توجه به این‌که نامش محمد و نام پدرش عبدالله بود، برخی به استناد روایتی که در آن نام مهدی را محمد بن عبدالله معرفی می‌کرد، ابراز خوشحالی می‌کردند و وی را همان مهدی بشارت داده شده می‌دانستند (همان، ص ۲۱۶) و حتی در منابع تاریخ فرق بنابر همین شباهت اسمی، وی را «مهدی» دانسته‌اند (نوبختی، ۱۳۸۱: ص ۶۲ و اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۴۳). همچنین درباره نام مادر او، یعنی «هند» نیز گفته شده است که نام مادر موعود سه حرفی است که با «ه» شروع و با «دال» ختم می‌شود (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۳، ص ۷۵).

از دیگر مواردی که زیدیان درباره نفس زکیه مطرح می‌کردند، موضوع ویژگی‌های ظاهری وی بود. به عنوان نمونه گرفتگی در زبان محمد و مطابقت دادن آن با احادیثی که مهدی را دارای سنگینی در زبان معرفی می‌کرد (ابن حماد، ۱۴۲۳: ص ۲۵۸)؛ همچنین وجود خالی در کتف او همانند پیامبر ﷺ به این موضوع دامن می‌زد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۱۱_۲۱۵). قیام نفس زکیه در اواخر جمادی الثانی یا اوایل رجب سال ۱۴۵ هجری آغاز شد (ر.ک: ابن سعد، ۱۴۲۳: ج ۵، ص ۴۳۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۵۵۷ و ابن خیاط، ۱۴۱۵: ص ۲۷۶). این موضوع یعنی تاریخ قیام او نیز سبب شده بود تا در بحث مهدویت وی مورد استناد واقع شود؛ زیرا در برخی از روایت‌ها آمده است که بین جمادی و رجب اتفاقات ویژه‌ای رخ خواهد داد و از آن با «العجب کل العجب» یاد کرده‌اند (ابن طاووس، ۱۴۱۰: ص ۱۴۴_۱۵۹).

از دیگر مواردی که در موضوع مهدویت نفس زکیه نقش آفرینی می‌کرد، حمایت و همراهی خواص زمانه از وی و اعتقاد برخی به مهدویت اوست. از جمله افرادی که به مهدویت وی اعتقاد داشتند، می‌توان به محمد بن عجلان (د. ۱۴۸ ق) و عبدالله بن جعفر بن عبدالرحمن (د. ۱۷۰ ق) اشاره کرد (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۵۶).

از دیگر مواردی که می‌توان درباره مهدویت نفس زکیه به آن اشاره کرد، باور به غیبت اوست. البته نفس زکیه در ۱۴ رمضان سال ۱۴۵ هجری در نبرد خونینی که با سپاهیان منصور عباسی داشت، در منطقه احجار الزیت به شهادت رسید (طبری، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۵۸۹ و ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۲۳۶-۲۳۷) و این موضوع تا حدود زیادی شرایط مهدویت وی را دچار خدشه کرد؛ اما برخی با مطرح کردن این موضوع که وی از دنیا نرفته؛ بلکه در کوه علمیه، بین مکه و نجد یا کوه حاجر از نواحی نجد یا کوه طمیه در مسیر مکه از نظرها پنهان شده است (نوبختی، ۱۳۸۱: ص ۶۲)؛ بر غیبت وی تاکید دارند و بر این باورند که فرد کشته شده در میدان نبرد، شیطانی در صورت محمد بوده است (اشعری قمی، ۱۳۶۰: ص ۴۳ و اشعری، ۱۴۰۰: ص ۹).

باید توجه داشت که اخبار مربوط به مهدی و ظهور او در جامعه اسلامی از دوره پیامبر ﷺ وجود داشت؛ اما زمانی این موضوع به صورت علنی نمایان شد که سرکوب گروه‌های فکری، عقیدتی و سیاسی به اوج خود رسید و اندیشه منجی به صورت آشکار در جامعه نمایان شد. قیام محمد نفس زکیه از مدینه آغاز شد و به سرعت گسترش یافت و مردم در بیش‌تر شهرها و



بادیه‌ها با او بیعت کردند (مسعودی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۲۹۸). حتی منصور عباسی از شنیدن خبر قیام نفس زکیه به هراس افتاد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۹، ص ۱۶۹) که این موضوع نشان‌دهنده عظمت این قیام است. شاید بتوان گفت شعار «یا منصور» که در سکه دیده می‌شود نیز به نوعی به موفقیت‌های نفس زکیه در آغاز راه اشاره دارد؛ ضمن این‌که شعار «یا منصور» در نبرد بدر، بنی مصطلق، خیبر و حنین و بعدها نیز در قیام مسلم بن عقیل، قیام مختار و حتی قیام زید بن علی مورد استفاده قرار گرفت. شعار سپاهیان نفس زکیه در روز نبرد «احد احد» بود که شعار پیامبر در غزوه حنین همین بود (طبری، ۱۳۸۵: ج ۷، ص ۵۸۷).

علویان به‌ویژه حسنیان خود را وارثان امامت و ولایت علی ع می‌دانستند و بنابراین، قیام علیه خلیفگان اموی و عباسی را حق خود می‌دانستند و در نامه‌ای که نفس زکیه به منصور داده است نیز به این موضوع اشاره شده است:

حق، حق ماست و شما به نام ما دعوی این کار کرده‌اید و به کمک شیعیان ما درباره آن قیام کرده‌اید و به برکت ما توفیق یافته‌اید. پدر ما علی، وصی بود؛ چگونه ولایت او را به ارث برده‌اید، در صورتی که فرزندان وی زنده‌اند؟ (طبری، ۱۳۸۵: ج ۷، ص ۵۸۷).

بنابراین، وقتی که در سکه عبارت «امیرالمومنین» حک شده است، می‌تواند گواهی بر این موضوع باشد که صاحب سکه خود را پیشوای جامعه قلمداد می‌کرد و خلافت و امارت را حق خویش می‌دانست.

از طرف دیگر اخباری مبنی بر بیعت با محمد نفس زکیه در عهد اموی وجود دارد؛ به این صورت که بزرگان هاشمی در منطقه ابواء^۱ با نفس زکیه بیعت کردند و در آن نشست، عبدالله بن حسن چنین جمله‌ای را بر زبان آورده بود: «شما همه می‌دانید که این فرزند من، همان مهدی موعود است؛ پس همگی با او بیعت کنید» (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ص ۱۹۷). این مطالب بیانگر این موضوع است که مهدویت نفس زکیه برای عموم جامعه روشن و آشکار بود و این

۱. ابواء، نام قریه بزرگی در نزدیک وِذان میان راه مکه و مدینه که در ۱۹ میلی سقییا و ۲۷ میلی جُحفه واقع است و یک شبانه‌روز از دریا فاصله دارد و آب مشروبش از چاه‌هاست (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ج ۱، ص ۷۹-۸۰). به قولی فاصله سقییا و ابواء ۲۹ میل (مستوفی، ۱۳۳۱: ص ۱۵) و فاصله ابواء و جحفه ۲۳ میل است (همدانی، ۱۴۰۳: ص ۳۰۰-۳۰۱).

موارد، بر استقبال عموم مردم از وی مؤثر بود.

همچنین سلیمانی نوشته است که این سکه‌ها از لحاظ سبک‌شناسی نازک، کم وزن و اصولاً غیرمتمعارف‌اند و اغلب در شمال ایران کشف می‌شوند (سلیمانی، ۱۳۹۶: ص ۴۵-۴۶). باید توجه داشت که بیعت با محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام در محلی با نام آبواء که در آن بزرگان آل عباس چون ابراهیم امام، سفاح، منصور و صالح بن علی حضور داشتند، انجام شده بود؛ زیرا وی را شخصیتی برجسته می‌دانستند (نخجوانی، ۱۳۵۷: ص ۱۰۸). حتی منصور عباسی قبل از آن که رهبری از جنبش علویان به عباسیان منتقل شود، دو بار با محمد بیعت کرد (مدرسی، ۱۳۶۹: ص ۱۵۶ و جعفریان، ۱۳۷۱: ص ۱۴۰). بعد از بازگشت منصور از سفر حج در سال ۱۴۴ هجری به مدینه، گزارش‌هایی از خراسان به منصور رسید که خراسانیان به این شخصیت علوی تمایل پیدا کرده‌اند. به همین دلیل، منصور برای این که هیجانانگیز و احساسات‌مردمان این نواحی دوردست را کنترل کند، دستور داد سر محمد بن عبدالله عثمانی که برادر مادری عبدالله محض و مادرش فاطمه دختر امام حسین علیه السلام بود و در زندان به سر می‌برد، ببرند و به آن دیار بفرستند و برای مردم آن‌جا قسم یاد کردند که این سر محمد بن عبدالله است که مادرش فاطمه دختر پیغمبر است (ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۲۳۸). بنابراین، شاهد گسترش قیام نفس زکیه تا نواحی دوردست خلافت در شرق یعنی خراسان هستیم؛ حتی گروه‌هایی از زیدیه و معتزله کوفه و بصره آمادگی خود را برای یاری با وی اعلان داشتند. به همین دلیل، نفس زکیه برادرش ابراهیم را به بصره فرستاد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۲۵۰؛ یعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ص ۹۳ و ابن خلدون، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۲۴۱). بنابراین، می‌توان انتظار داشت که پیروان و علاقه‌مندان به این قیام در نواحی شرقی خلافت، برای حمایت و تبلیغ این قیام، به ضرب سکه اقدام کرده بودند.

بنابراین، وقتی عبارت «مهدی الحق» در سکه مورد مطالعه حک شده است، می‌بایست برای فردی باشد که ویژگی‌های مهدی حقیقی را دارا است؛ زیرا هیچ یک از قیام‌کنندگان حسنی به این وضوح مهدویت درباره آن‌ها بیان نشده بود و در واقع در آن دوره زمانی نفس زکیه از افرادی بود که نشانه‌های مهدی در وی به وضوح دیده می‌شد.

علاوه بر موارد گفته شده، آیه ۳۳ سوره توبه ﴿أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ



كَلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» در باورهای شیعیان به ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى اشاره دارد و طبیعتاً در این قیام و سکه مورد نظر نیز استفاده شده است. به عنوان نمونه شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق) از امام محمدباقر ع چنین روایت می‌کند: «و قال ابو جعفر ان ذالك يكون عند خروج القائم» (طوسی، بی تا: ج ۵، ص ۲۰۹).

همچنین آیه ۲۳ سوره شوری ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾، مشهور به آیه مَوَدَّة و آیه ۸۱ سوره اسراء ﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ﴾ که در پشت سکه نقر شده است نیز تأییدی بر این موضوع است که صاحب سکه در زمره انقلابیون شیعی قرار دارد که باهدف مبارزه علیه دستگاه خلافت قیام کرده است و در پی برانداختن باطل و برپایی حکومت حق است که با توجه به مطالبی که گفته شد با قیام نفس زکیه ارتباط بیش تری دارد. بنابراین، ضرب چنین سکه‌هایی از این دوره آغاز شد و در دوره‌های بعدی نیز مواردی مشابه، اما با تغییراتی و در حمایت از خلفا یا افراد دیگر ضرب شد.



نتیجه‌گیری

اندیشه منجی که ریشه در اعماق تاریخ دارد و به خصوص اندیشه مهدویت در اسلام که سابقه‌ای به طولانی خود دین اسلام دارد، در بسیاری از موضوعات نمود داشته و خود را نشان داده است. در دنیای سکه‌شناسی و در ضرب سکه‌ها در قرون و اعصار مختلف اسلامی، نشانه‌های مختلف اندیشه مهدویت را می‌توان جست‌وجو کرد. سکه‌هایی که در قرون اولیه اسلامی با شعارهای شیعی حک شده‌اند، اغلب بدون تاریخ و نام هستند و نیاز است تا از طریق بررسی شیوه‌های ضرب و خطوط و انواع عبارت‌های نقر شده بر روی آن‌ها، تصویری روشن از آن‌ها ارائه شود. در سکه مورد مطالعه در این پژوهش، مواردی وجود داشت که تاکنون اطلاعات درستی از آن ارائه نشده بود. بررسی‌ها نشان داد که سکه مورد مطالعه از جنبه‌های مختلف، اعم از نحوه ضرب، خطوط، علائم و نشانه‌های هندسی پشت و روی سکه، شعارها و آیات قرآنی به سکه‌های اواخر دوره اموی و اوایل خلافت عباسی شباهت بسیاری دارد. همچنین مشخص شد که شعارهای منقوش بر سکه، مانند «یا حامد» و «یا منصور» با قیام‌های انقلابیون شیعی در دوره زمانی مورد مطالعه ارتباط تنگاتنگی دارد؛ نیز آیات قرآنی که نشان‌دهنده پیوند سکه مورد مطالعه با آموزه‌های مهدوی باور در بین شیعیان است. از آن‌جا که در سکه عبارت «مهدی الحق» آمده است، طبیعتاً صاحب سکه باید از افرادی باشد که اندیشه‌های مهدویت درباره وی صادق بود. بنابراین، از بین افراد مختلفی که در دوره مورد نظر قیام کرده بودند، نفس زکیه (د. ۱۴۵ق) به عنوان محتمل‌ترین گزینه برای صاحب سکه معرفی شد؛ زیرا در دوره مورد مطالعه هیچ شخصی به اندازه محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام ملقب به «نفس زکیه» به «مهدی» شهرت نداشت و نیافت. نباید از نظر دور داشت که مهدویت در آن دوره حساس، یکی از محمل‌های رایج بیان احساسات عمومی به شمار می‌رفت و به عنوان اسبابی مؤثر برای ماجراهای سیاسی در نظر گرفته می‌شد که نفس زکیه با توجه به علائم و ویژگی‌های فردی و جایگاه اجتماعی و مذهبی که داشت، از مهدی باوری و پذیرش عامه مردم در این زمینه نهایت بهره را برد. اگرچه منابع مکتوب، ضرب سکه توسط وی را بیان نکرده‌اند؛ سکه کمیاب مورد مطالعه نشان داد که به احتمال فراوان سکه‌ای با هدف پشتیبانی و حمایت از نهضت و قیام وی ضرب شده بود. در ادامه سکه‌های دیگری از این دست ضرب شد، مانند سکه‌ای که برای مهدی عباسی و سپس برای هارون عباسی ضرب شد و در آن‌ها به صراحت نام خلیفه آمده است.



منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر-داریبیروت.
۲. ابن حماد، ابو عبدالله نعیم (۱۴۲۳ق). *الفتن ابن حماد*، محقق: مجدی بن منصور شوری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۴۰۸ق). *تاریخ ابن خلدون*، محقق: خلیل شحاده، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۲۳ق). *طبقات الکبری*، محقق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۰ق). *الملاحم و الفتن فی ظهور الغایب المنتظر*، قم، شریف رضی.
۶. ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۱۸ق). *الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*، محقق: عبدالقادر محمد مایو، بیروت، دارالقلم العربی.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). *البدایه و النهایه*، بیروت، دارالفکر.
۸. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی تا). *السیره النبویه*، محقق: مصطفی السقا و ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه.
۹. ابوالجارود، زیاد بن المنذر (۱۴۳۴ق). *تفسیر ابی الجارود و مسنده*، محقق: علی شاه علی زاده، قم، دارالحدیث.
۱۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (بی تا). *مقاتل الطالبیین*، محقق: سید احمد صقر، بیروت، دارالمعرفه.
۱۱. ابی داود سجستانی، سلیمان بن اشعث (۲۰۰۷ م). *سنن ابی داود*، محقق: صدقی جمیل العطار، بیروت، دارالفکر.
۱۲. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰). *المقالات و الفرق*، محقق: محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ق). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ویسبادن، آلمان، فرانس شتاینر.
۱۴. الویری، محسن و محمدرضا برزویی (تابستان ۱۳۹۴). «گونه شناسی رویکردهای آموزه

مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی»، مشرق موعود، شماره ۳۴.

۱۵. انور فیاضی، محمد و جباری، محمدرضا (بهار ۱۳۹۰). «نمادهای اجتماعی شیعه در عصر

حضور- نمادهای زبانی»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۲۹، ص ۱۳۷-۱۶۳.

۱۶. بابایی، علی اکبر (آذر ۱۳۸۰). «پژوهشی در آیه مودت»، ماهنامه معرفت، شماره ۴۸، ص ۶۳-۶۸.

۱۷. الویری، محسن و محمدرضا برزویی (تابستان ۱۳۹۴). «گونه شناسی رویکردهای آموزه مهدویت

در چارچوب ظرفیت تمدنی»، مشرق موعود، شماره ۳۴.

۱۸. بادنج، معصومه (۱۳۸۰). «تالقان طالقان»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دانشنامه

جهان اسلام.

۱۹. برادران، رضا و محمدصادق گل پور سوته (بهار ۱۳۹۶). «مهدی باوری و مؤلفه‌های آن در میان

زیدیان مقارن ظهور نفس زکیه (۱۰۵-۱۴۵)»، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۲۶، ص ۱۱۷-۱۳۸.

۲۰. بلاذری، احمد بی یحیی (۱۹۵۹ م). انساب الاشراف، محقق: محمد حمیدالله، مصر، دارالمعارف.

۲۱. پیشوایی، فریده (بهار ۱۳۹۷). «بررسی تطبیقی اندیشه مهدویت در تفاسیر امامیه و زیدیه

(مطالعه موردی تفاسیر زیدبن علی، ابوالجارود و فرات کوفی)»، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۴، ص

۱۶۳-۱۸۶.

۲۲. ترابی طباطبایی، سید جمال و منصوره وثیق (۱۳۷۳). سکه‌های اسلامی از آغاز تا حمله

مغول، تهران، انتشارات مهد آزاد.

۲۳. جاسم، محمد حسین (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، مترجم: محمد تقی

آیت‌اللهی، تهران، امیرکبیر.

۲۴. جعفریان، رسول (۱۳۷۱). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، تهران، سازمان

تبلیغات اسلامی.

۲۵. جَبَری، ابو عبدالله الحسین بن الحکم بن مسلم (۱۴۰۵ ق). تفسیر الحبري، گردآوری: سید

محمدرضا حسینی، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۲۶. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ ق). کشف المراد، قم، موسسه النشر الاسلامی.

۲۷. حمیری، نشوان بن سعید (بی تا). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، محقق: مطهر

بن علی اریانی و یوسف محمد عبدالله و حسین بن عبدالله عمری، دمشق، دارالفکر.



۲۸. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالثقلین*، مصحح: هشام رسولی، قم، اسماعیلیان.
۲۹. خضری، سید احمدرضا و عباس احمدوند (پاییز ۱۳۸۹). «*جایگاه و اهمیت سکه در دعوت عباسی*»، تاریخ اسلام و ایران، شماره ۷، ص ۴۵-۶۶.
۳۰. خضری، سید احمدرضا (۱۳۷۹). *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سمت.
۳۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷ق). *تاریخ بغداد*، محقق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۲. خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵ق). *تاریخ خلیفه*، محقق: فواز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳۳. خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۱ق). *المناقب*، محقق: فضیله الشیخ مالک المحمودی، قم، موسسه نشر اسلامی.
۳۴. دولابی، محمد بن احمد (۲۰۰۰ م). *الکنی و الاسماء*، محقق: محمد الفاریابی، بیروت، دار ابن حزم.
۳۵. رحمتی، محمدکاظم و محمدرضا ناجی (۱۳۹۶). «*زید بن علی*»، *دانشنامه جهان اسلام*، زیرنظر غلامعلی حداد عادل، ج ۲۲، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۳۶. رضائی باغ بیدی، حسن (۱۳۹۳). *سکه‌های ایران در دوره اسلامی از آغاز تا برآمدن سلجوقیان*، تهران، سمت.
۳۷. الرفاعی، محمد انور. *تشکیلات اسلامی*، مترجم: سید جمال موسوی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۸. سرافراز، علی اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۹۱). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران، سمت.
۳۹. سلیمانی، سعید (۱۳۹۶). *تاریخ سکه در دودمان‌های محلی ایران* (قرون سوم و چهارم هجری قمری)، تهران، برگ نگار.
۴۰. شمس اشراق، عبدالرزاق (۱۳۸۹). *سکه‌های نقره‌ای خلافت اسلامی*، اصفهان، انتشارات استاک.
۴۱. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق). *تاریخ الامم و الملوک*، محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم،

بیروت، دارالتراث.

۴۲. طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۵). *دولت عباسیان*، مترجم: حجت الله جودکی، قم، زیتون.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۴۴. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۴۵. القزاز، السیده وداد (۱۹۶۴م). *«الدرهم العباسی فی زمن الخلیفتین المهدی و الهادی»*، سومر، المجلد العشرون، ص ۲۵۹-۲۸۴.
۴۶. _____ (۱۹۶۵م). *«الدرهم العباسی فی زمن الخلیفه هرون الرشید»*، سومر، المجلد الحادی و العشرون، ص ۱۶۷-۲۲۸.
۴۷. مجلسی، محمد بن باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*، بیروت: داراحیاء التراث.
۴۸. مجهول المؤلف (۱۳۷۵). *مجمل التواریخ و القصص*، محقق: ملک الشعرا بهار، تهران، کلاله خاور.
۴۹. مدرس، محمدتقی (۱۳۶۹). *امامان شیعه و جنبش های مکتبی*، مترجم: حمیدرضا آژیر، مشهد، آستان قدس رضوی.
۵۰. مستوفی، حمدالله (۱۳۳۱ق). *نزیه القلوب*، به کوشش گ. لسترنج، لیدن.
۵۱. _____ (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، محقق: عبدالحسن نوایی، تهران، امیرکبیر.
۵۲. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، محقق: اسعد داغر، قم، دارالهجره.
۵۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، محقق: عبدالله محمود شحاته، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۵۴. موسوی نژاد، سید علی (پاییز ۱۳۸۴). *«مهدویت و فرقه حسینیّه زیدیه»*، هفت آسمان، شماره ۲۷، ص ۱۲۷-۱۶۲.
۵۵. النباطی البیاضی، علی بن یونس العاملی (۱۳۴۸). *الصراه المستقیم الی مستحقّی التقدیم*، طهران، المكتبه المرتضویه.
۵۶. نخجوانی، هندوشاه (۱۳۵۷). *تجارب السلف*، مصحح: عباس اقبال، تهران، کتابخانه طهوری.



۵۷. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۱). *فرق الشیعه*، مترجم: محمد جواد مشکور، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی.

۵۸. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *المغازی*، محقق: مارسدن جونز، بیروت، موسسه الاعلمی.

۵۹. همدانی، حسن بن احمد (۱۴۰۳ق). *صفه جزیره العرب*، به کوشش محمد بن علی الاکوع، بیروت.

۶۰. یاقوت حموی (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.

۶۱. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر.

62. Miles, George (1938). "The Numismatic History of Rayy", New York, *The American Numismatic Society*.

63. Miles, George (1938). "Al-Mahdi al-Haqq, Amir al-Mu'minin", *Revue Numismatique*, p. 329-341.

